شهروندان شهرهای بزرگ از مشکلات‌شان می‌گویند

شهری که دیگر مال ما نیست

طرح نو | مشکلات و معضلات رایج در هر شهر، برای شهروندان واضح و شفاف است. هیچ‌کس به اندازه شهروندان به کمبودها و مشکلات شهری که در آن زندگی می‌کنند، آگاهی ندارند. برای همین هم وقتی قرار است به آسیب‌شناسی کلانشهرها بپردازیم، منطقی است که سراغ شهروندان شهرهای مختلف برویم و از آنها بپرسیم مهم‌ترین مشکلی که در شهرشان می‌بینند، چیست؟ شاید بسیاری از نظرات کارشناسی نباشد و به جزییات اشاره کند اما نشان می‌دهد که شهروندان هر شهری تا چه اندازه به محیط اطراف خود دقت می‌کنند و دغدغه زندگی آرام با کمترین مشکلات را دارند. در گزارش پیش‌رو نظر شهروندان شهرهای مختلف را درباره مشکلات محل زندگی‌شان جویا شدیم.

نیت یکسان، نتیجه متفاوت

«سامان» ساکن شیراز است. او مشکل این کلانشهر را بیش از همه در ساخت شهر و کمبود زیرساخت‌های شهرسازی می‌داند. وقتی از او درباره مشکلات کلانشهر شیراز پرسیدم، او به مقایسه این شهر با اصفهان می‌پردازد و می‌گوید: «برای مثال در اصفهان یک بزرگراه زده‌اند به نام شهید کاوه. زیر گذر این بزرگراه فرد را به ترمینال صفه می‌رساند. این بزرگراه باعث کنترل ترافیک شهر اصفهان شده چرا که به‌صورت اصولی ساخته شده است و عاملی شده تا مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات کاهش یابد. اما پلی در شیراز ساخته شده که به چهارراه زند منتهی می‌شود، این پل نتوانسته ترافیک را کنترل کند و از سویی هم عامل عمده مرگ‌ومیر و تصادفات نیز شده است. درحقیقت هدف یکی بوده اما نتیجه یکسان نیست. چون یکی با تحقیق و ارزیابی دقیق ساخته شده و دیگری خیر. آلودگی هوا، آلودگی صوتی و جمعیت در «چهارراه زند» تا «میدان شهید نمازی» بسیار بالاست و در حقیقت آدم ترجیح می‌دهد به‌عنوان شهروند هرگز از آن‌جا گذر نداشته باشد.» او مشکل دیگر این کلانشهر را توسعه نامتوازن می‌داند و می‌گوید: «شهر به‌صورت متوازن توسعه نیافته و اصلا مشخص نیست شهر براساس چه منطقی گسترش یافته است. از طرفی مهاجرت به این شهر بسیار بالاست و مهاجر از یک قومیت خیلی زیاد است و این امر هم عاملی شده که شیرازی‌ها شهر را مال خود نمی‌دانند و دلشان انگار برای شهرشان نمی‌سوزد. وجود گسترده موادمخدر مانند دیگر شهرهای بزرگ، هم بسیار محسوس است. به‌خصوص در مناطقی چون دروازه کازرون، گاودرسون، دروازه اصفهان. محله ده بزرگی و ... که نقش حاشیه‌ای را نیز ایفا می‌کنند، بسیار زیاد است که این امر هم نگرانی‌ها و دشواری‌های بسیاری را با خود به همراه آورده است.»

مبلمان شهری، رابطه همگانی

سیما ۲۸ ساله، ساکن تهران می‌گوید: یکی از مشکلاتی که در کلانشهری مانند تهران به خوبی احساس می‌شود نبود مبلمان شهری است. اگرچه در بوستان‌ها نیمکت‌هایی را می‌بینیم که برای نشستن شهروندان درنظر گرفته شده اما نبود نیمکت یا جایی برای نشستن در پیاده‌روها کاملا محسوس است. به نظر من وجود مبلمان شهری می‌تواند به بهبود روابط شهروندان یا ارتباط آنها با فضای شهر منجر شود. مثلا در قسمت‌هایی از خیابان‌های تهران نیمکت‌هایی تعبیه شده است، دیدن مردمی که از راه رفتن خسته‌اند یا در انتظار دوستی آن‌جا نشسته‌اند، حس بسیار خوبی را منتقل می‌کند. اینکه ساکنان یک کلانشهر در میان تمام شلوغی‌های شهر جایی برای دمی آرامش گرفتن و استراحت داشته باشند می‌تواند بسیار خوب باشد، چیزی که دست‌کم در تهران کمبودش به خوبی حس می‌شود.

مشکل دیگری که در کلانشهرها احساس می‌شود نبود عاطفه است. این را آناهیتا می‌گوید که مدتی است برای کار از یکی از شهرهای شمالی به تهران آمده است. او می‌گوید، زندگی در کلانشهرها خیلی ماشینی است و مردم ارتباط کمی با یکدیگر دارند. به‌نظر او برگزاری برنامه‌هایی در کلانشهرها که به ارتباط بیشتر و موثرتر شهروندان منجر شود، می‌تواند مشکل کمبود عاطفه را در کلانشهرها برطرف کند و این شهرها را به محل‌هایی بهتر برای زندگی تبدیل کند. او می‌گوید در شهرهای کوچکتر افراد همدیگر را می‌شناسند و همین شناخت هم در روابط آنها موثر و رابطه بین آنها بسیار با یکدیگر نزدیک‌تر است و به گمان من این معضل در بسیاری کلانشهرهای ایران و دیگر مناطق جهان نیز دیده می‌شود.

معضلات یک شهر ملی

محمدرضا اهل مشهد است. وقتی می‌خواهیم درباره مشکلات کلانشهرش توضیح بدهد خیلی اصولی توضیح می‌دهد که بحث از مشکلات کلانشهرها در ایران، به یک معنا، بحث جدیدی نیست و به یک معنا بحثی است جدید و متعلق به ۳۰،۲ دهه گذشته. افزایش وسعت شهرها اثراتی را بر نواحی شهری و روستایی اطراف می‌گذارد و هرچه شهر توسعه بیشتری پیدا کند، نواحی دورتری در اطراف خود را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. کلانشهر مشهد نیز از این قضیه مستثنی نیست. عواملی مانند رشد فزاینده جمعیت و مهاجرت از روستاهای اطراف به مشهد، افزایش واحدهای تولیدی، صنعتی و مسکونی و مهم‌تر از همه سوءمدیریت، باعث گستردگی بیش از حد این شهر شده است.

درحال حاضر مهم‌ترین آسیب‌هایی که شهر مشهد با آنها روبه‌رو است، عبارتند از آلودگی، ترافیک، حجم زیاد مسافران در تمام طول سال، حمل‌ونقل عمومی و... که به‌نظر می‌رسد، تفاوتی با سایر کلانشهرها، در این موارد نداشته باشد. قطعا چنین مشکلاتی قابل پیش‌بینی بوده و هستند. چراکه، این مشکلات، مشکلات طبیعی و عادی افزایش وسعت شهرها است. اما به دلیل سوءمدیریت، فقدان تخصص کافی و استفاده‌نکردن از کارشناسان در همه حوزه‌ها، فسادهای اداری و مواردی از این دست، همگی موجب می‌شود تا این آسیب‌ها و مشکلات، غیرقابل پیش‌بینی شوند، یا حتی در صورت پیش‌بینی، توجهی به آنها نشود.

برای گذار از این وضع، باید هرچه سریع‌تر بودجه کافی به سمت شهرهای اطراف کلانشهرها تزریق شود و امکانات رفاهی، بهداشتی، مسکونی، خدماتی، فرهنگی و اداری به اندازه نیاز ایجاد شود. امکاناتی مثل مدرسه، دانشگاه، بیمارستان، خانه‌ها و آپارتمان‌های نوساز و ارزان، زمین‌های ورزشی، سالن‌های تئاتر و سینما، دادگاه، دادسرا و... مواردی از این دست می‌توانند چاره‌ساز شوند. همچنین می‌توان با وضع قوانینی به شهروندان شهرهای کوچک اطراف کلانشهرها، امتیازات ویژه‌ای تنها برای سکونت و ماندن در همان شهر، داده شود.

در نهایت، با استفاده از کارشناسان زبده در همه حوزه‌های مرتبط با شهرنشینی، اعم از کارشناس علوم‌اجتماعی، کارشناس شهرسازی، معماری، راهسازی، روانکاوان و روانشناسان، پزشکان و... و با استفاده از بررسی و مطالعه وضع شهرنشینی در خارج از ایران و تحلیل روش‌های آنها برای مقابله با چنین مشکلات مشابهی، می‌توان به حل بسیاری از این مشکلات و ممانعت از ایجاد مشکلات جدید، همت کرد.

کار و تفریح، معضل دیگر

نجمه ۳۲ ساله اهل یزد است. کسی که معتقد است یزد یا حتی دیگر شهرهای کشورمان خصوصیات یک کلانشهر را ندارد اما جزو شهرهای بزرگ به حساب می‌آید. او مهم‌ترین مشکل یزد را بیکاری می‌داند که باعث می‌شود بسیاری از جوانان این شهر به پایتخت کوچ کنند. در شهر ما برای تعداد زیادی از رشته‌ها، کار مناسبی نیست حتی وقتی فوق‌لیسانس می‌گیری نمی‌توانی به شغل مورد علاقات دست پیدا کنی. این مشکل اکثر جوانان است و فکری هم به حال آن نمی‌شود. البته مشکلات دیگر هم وجود دارد. مثلا این که ما تفریح چندانی در شهرمان نداریم. البته این مشکل تنها مربوط به یزد نمی‌شود. حتی پایتخت‌نشینان هم از این موضوع ناراضی‌اند و معتقدند برای این که یک آخر هفته خوب داشته باشند باید به رستوران بروند و شام بخورند. یزد خوشبختانه فعلا به ترافیک و آلودگی هوا دچار نشده اما هیچ بعید نیست تا چندسال آینده هم این مشکلات به مشکلات یزد اضافه نشود.

در ریجا

حکمرانی دوگانه، عامل از بین رفتن فرصت‌ها

محمد سالاری
رئیس کمیسیون شهرسازی شورای شهر

امروزه یکی از مهم‌ترین مشکلات شهرهای بزرگ (که با اشتباه، به کلانشهر معروف شده‌اند) و به‌ویژه شهر تهران، افزایش بی‌رویه جمعیت‌پذیری است. با بررسی‌های انجام شده، شاهدیم که در فرآیندی تدریجی با سرعت بالا، مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ صورت می‌گیرد. به این ترتیب که مهاجران ابتدا در روستاهای پرجمعیت اطراف شهرهای بزرگ سکنی می‌گزینند و در مرحله بعد، به شهرهای اقماری همان شهرها مهاجرت می‌کنند و به‌تدریج آنهایی که به لحاظ مالی توان فراهم کردن امکانات لازم را دارند، در شهرهای بزرگ ساکن می‌شوند. مطالعات و تجربه گذشته نشان داده، به هر میزان که جمعیت اطراف شهرهای بزرگ افزایش پیدا کند، به‌همان میزان کیفیت زندگی در این شهرها، کاهش خواهد یافت. به این مفهوم که افزایش جمعیت‌پذیری در شهرهای اقماری موجب کاهش سرانه شهرهای بزرگ می‌شود زیرا به علت نزدیکی به این شهرها، بیش از نیمی از عمر افراد در شهر مادر سپری می‌شود و از امکانات آن استفاده می‌کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم، مشکلات مربوط به شهرهای بزرگ، محدود به مرزها و حدودهای قانونی این شهرها نیست، بلکه افزایش

مشکلات در شهرهای اقماری و روستاهای آنها نیز تأثیر مستقیمی در افزایش مشکلات و چالش‌های اساسی این شهرها دارد. به‌عنوان مثال، با توجه به نزدیکی شهرهای اقماری به کلانشهرها و تراکم بالای سرانه‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی؛ فضاهای تفریحی، ورزشی، تجاری و سایر امکانات و فرصت‌های شغلی گوناگون در کلانشهرها، عملا جمعیت غالب شهرهای اقماری در طول روز و بعضا شب، در کلانشهرها سکونت دارند که این موضوع باعث کاهش سرانه‌های مختلف شده و نتیجه آن موجب کاهش ارتقای کیفی زندگی در این شهرها می‌شود. از جمله مهم‌ترین تهدیدهایی که برای کلانشهرها به‌صورت چالشی اساسی و مشترک مطرح است، مداخلات جدی به حریم مشاعی کلانشهرها و شهرهای اقماری است. به‌عنوان مثال، در تهران که حریم آن ۱۰ برابر مساحت قانونی طرح تفصیلی تهران است، از سوی تمامی شهرهای اقماری که تهران را احاطه کرده، به‌صورت مستمر درحال تخریب و ساخت‌وسازهای گوناگون و نهایتا افزایش جمعیت‌پذیری است. این درحالی است که حریم کلانشهرها، به‌ویژه تهران، تنها فرصت تفرجگاهی و ظرفیت طبیعی اقلیمی و تنفسگاهی جمعیت تهران را داراست که متاسفانه در سال‌های اخیر شاهد از بین رفتن آن در مسابقه‌ای که شهرهای اقماری به‌منظور کسب درآمد انجام می‌دهند، بوده‌ایم. اما این که این مشکلات از کجا نشأت می‌گیرد، مهم‌ترین مسأله‌ای است که باید به آن پرداخته شود. در پاسخ به چرایی این موضوع باید گفت: یکی از اشکالات اساسی در این زمینه به حکمرانی دوگانه مدیریت شهری (شهرداری)، فرمانداری و بخشداری (دولت) در محدوده شهر تهران و شهرهای اقماری مربوط می‌شود. به این مفهوم که با نظارت نهادهای نظارتی و به‌ویژه شورای شهر، شاهد اقدامات بسیار مثبت شهرداری‌ها در موضوع صیانت از حریم هستیم. اما از آن‌جایی که مسئولیت صدور پروانه و رسیدگی به تخلفات ساختمانی در محدوده شهرهای اقماری و بخشی از حریم مشاعی که در مجاورت شهرهای اقماری قرار دارد، با فرمانداری و بخشداری‌ها است، متاسفانه به‌دلیل نبود مدیریتی یکپارچه و هماهنگ در حریم کلانشهرها، شاهد از بین رفتن فرصت‌های طبیعی و تفرجگاهی هستیم. به‌اعتقاد من، با توجه به صحبت‌های وزیر راه و شهرسازی در شورای شهر، باید برای جلوگیری از ساخت‌وساز اگر آتش‌سوزی یا زلزله به وجود بیاید، اورژانس و خدمات‌رسانی به آن مناطق با مشکل مواجه می‌شود. آن‌های سطحی مسأله شهرهای بزرگ است که در محیط زیست شهروندان اثرات نامطلوبی دارد و مشکلات بزرگی به‌وجود

نگاه

غفلت از آسیب کلانشهرها

محمداسماعیل سعیدی
دبیر اول کمیسیون اجتماعی

در زمینه مشکلات کلانشهرها، مباحث و موضوعات بسیار گسترده‌اند. برخی از این آسیب‌ها مربوط به حوزه اجتماعی و برخی دیگر نیز مربوط به سایر بخش‌هاست که تمامی این بخش‌ها باید در کنار یکدیگر عمل کنند و تنها از این طریق است که می‌توان امیدوار بود این مشکلات حل شود. اما چنانچه بخواهیم این مشکل را از دریچه اجتماعی بررسی کنیم، به چند موضوع عمده و اصلی برمی‌خوریم که آنها در کنار یکدیگر اصلی‌ترین آسیب‌هایی است که کلانشهرهای کشور را در گیر خود کرده است. نخستین مورد، بحث مهاجرت بی‌رویه و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر است که خود عامل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی شده است. مورد دوم، ترافیک به‌خصوص در کلانشهر تهران است. حضور بسیار زیاد موتورسیکلت‌ها خودروها و همچنین کارخانه‌هایی که آلودگی‌های بسیاری را برای این مناطق به‌وجود آورده‌اند، از سویی بحث آلودگی صوتی نیز از جمله دیگر مشکلاتی است که با آن مواجهیم. تکدیگری و کودکان خیابانی، سومین مشکلی است که کلانشهرهای ما را اسیر خود کرده و باعث شده تا چهره شهر مخدوش شود. ما درخصوص این آسیب‌ها در کمیسیون اجتماعی و کارگروه‌هایی که در این کمیسیون داریم، جلسات متعددی را برگزار کردیم. از سویی، جلسات مستمری را نیز با راهنمایی‌ورانندگی و نمایندگان شهرداری برگزار کردیم که این جلسات نیز تاحدودی ثمربخش بوده‌اند. برای مثال، در بحث موتورسیکلت‌ها تصمیم گرفته شد تا موتور برقی به‌جای موتور گازسوز داشته باشیم که درنهایت در فکر عملیاتی کردن این ایده‌ها هستیم. فارغ از مباحثی از این دست که به آن اشاره شد، می‌توان به معضل اعتیاد نیز اشاره کرد که یکی از آسیب‌های جدی و موجود در کلانشهرهاست و نگرانی‌های جدی را ایجاد کرده است. اما درخصوص اکثر آسیب‌هایی که ایده‌ها هستیم، فارغ از مباحثی از این دست که به آن اشاره شد، می‌توان به معضل اعتیاد نیز اشاره کرد که یکی از آسیب‌های جدی و موجود در کلانشهرهاست و نگرانی‌های جدی را ایجاد کرده است. اما درخصوص اکثر آسیب‌هایی که از آن سخن رفت، باید گفت که چنانچه به آنها می‌پرداختیم، قابل پیش‌بینی بودند و متاسفانه به‌دلایل متعدد از این امر غفلت کردیم و به‌موقع نتوانستیم آنها را مورد بررسی قرار دهیم. تصمیمات جزیره‌ای باعث شد تا به نتیجه‌ای مشخص دست نیابیم. آلودگی هوا، ترافیک و... همگی قابل پیش‌بینی بودند اما نه تنها پیش‌بینی انجام نگرفت، بلکه همچنان شاهد این هستیم که خودروها به شهر سرازیر می‌شوند. به شهرهایی که زیرساخت‌هایش تحمل این حجم ترافیک را ندارد. دستگاه‌های مسئول باید هماهنگ عمل می‌کردند که متاسفانه این اتفاق نیفتاد. به‌طور مثال، دستگاه‌های تولیدکننده خودرو به‌رغم این که می‌دانند فضا و زیرساخت کلانشهرها ظرفیت این‌همه خودرو را ندارد ولی به‌صورت مرتب به تولید می‌پردازند و از طرف دیگر هم صدای دستگاه‌های مسئول به‌جایی نمی‌رسد چراکه کسی پاسخگو نیست. در آسیب‌شناسی کلانشهرها، آنچه هرگز برای آن نقش خاصی درنظر گرفته نمی‌شود، آسیب‌دیدن روان و شخصیت مردم است. مردم در چنین فضایی احساس امنیت نمی‌کنند و این است که باید دغدغه اصلی باشد. از جمله راهکارهای رهایی از این وضع نیز احیای اقتصاد روستاهاست. اقتصاد روستاها به‌شدت آسیب‌دیده است و اگر آنها نتوانند احیا شده و مشکلات معیشتی‌شان را حل کنند، ناخودآگاه افراد به‌سمت شهر سرازیر می‌شوند و این هم در نوع خود مشکلات آموزشی، بهداشتی، جادهای و... گسترده‌ای را با خود به‌همراه می‌آورد. چراکه درحال حاضر روستاییان مصرف‌کننده هستند. از سوی دیگر، خود شهرها نیز نباید زمینه‌ها برای شکل‌گیری حاشیه‌نشینی را به‌وجود بیاورند. عدم‌هماهنگی دستگاه‌ها و عدم وجود مدیریت واحد شهری است که باعث‌شده این مشکل به‌وجود بیاید. برای مثال، یک تیربرق ممکن است مدت‌ها وسط خیابان بماند اما کسی آن را از وسط خیابان برندارد و هرکدام نیز وظیفه را بر گردن دیگری بیندازند. از یک‌طرف، شهرداری می‌خواهد با وقوع حاشیه‌نشینی برخورد کند، از سوی دیگر، دستگاه‌ها هماهنگ نیستند و خود شهرداری در بخش‌هایی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که راه را برای خراب‌کردن شهر هموار می‌کند. برای مثال، شهر تبریز در حال حاضر ۵۰۰هزار نفر حاشیه‌نشین دارد که این حاشیه‌نشینی نیز به‌دلیل زمینه‌هایی است که در کلانشهرها برای این امر ایجاد شده است. به این ترتیب باید هرچه زودتر جلوی راه‌های آسیب به شهرها گرفته شود در غیراین‌صورت با مشکلاتی گسترده‌تر از مشکلات فعلی مواجه خواهیم بود.

یادداشت

شش معضل شهرهای بزرگ

ابوالفضل قناعتی
عضو شورای شهر تهران

آسیب‌های موجود در شهرهای بزرگ کم نیستند. یکی از مهم‌ترین آنها به‌عنوان نمونه در شهری مانند تهران، آلودگی هواست که مشکلات مختلفی را به‌وجود آورده است. موضوع دیگر، ترافیک است که به خاطر وضع بد معابر مثل فقدان پارکینگ‌های مسقف، مسائل و مشکلات زیادی را ایجاد کرده است. از آسیب‌های دیگری که می‌توانیم از آن نام ببریم، مدیریت پسماندهاست. مطابق اطلاعات موجود، اکنون در تهران روزانه ۷هزار تن زباله تولید می‌کنیم که موضوعی مشکل‌ساز است. به‌ویژه که در بعضی از شهرها این زباله‌ها با زباله‌های بیمارستانی مخلوط می‌شوند و مشکلات محیط‌زیستی بزرگی به‌وجود می‌آورند. اگر بتوانیم پسماندها را مدیریت و تبدیل به‌انرژی کنیم، اتفاق خوبی است که متاسفانه درحال حاضر به هر دلیل نمی‌افتد. معضل دیگر، مرتفع‌سازی یا ساخت‌وسازهای بلندمرتبه است که چون ضوابط شهرسازی محله و منطقه را در بعضی از خیابان‌ها رعایت نمی‌کنند - مثلا در یک خیابان ۶ متری مجوز برج‌هایی بلند می‌دهند - باعث می‌شود که بعدها اگر آتش‌سوزی یا زلزله به وجود بیاید، اورژانس و خدمات‌رسانی به آن مناطق با مشکل مواجه می‌شود. آن‌های سطحی مسأله شهرهای بزرگ است که در محیط زیست شهروندان اثرات نامطلوبی دارد و مشکلات بزرگی به‌وجود می‌آورد. اگر بتوانیم کانال‌ها را مدیریت کنیم، بخشی از مشکلات قابل حل خواهد بود، چرا که فاضلاب‌های شهری هنوز در بعضی نقاط به چاه‌ها هدایت و به آب‌های زیرزمینی وصل می‌شود که آن آب‌ها در نقاطی از شهرهای بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و سلامتی شهروندان را به مخاطره می‌اندازد. چاه‌های منازل هم در این زمینه باید مدیریت شود.

موضوع دیگر بی‌توجهی مسئولان به وسایل حمل‌ونقل عمومی است که مردم را با مشکل مواجه و مجبور می‌کند از خودروهای شخصی‌شان استفاده کنند که آن هم به همان آسیب آلودگی می‌افزاید. اگر چه این آسیب‌ها قابل پیش‌بینی بودند اما در برخی از آنها ما انسان‌ها مقصر هستیم زیرا گاهی به دلیل محدودیت منابع اقدامی اساسی برای حل آنها صورت نگرفته و در زمان خودش حل نشده است. مثلا برای کم کردن ترافیک و آلودگی توان باید وسایل حمل‌ونقل عمومی و مترو را توسعه دهیم که به دلیل کمبود منابع به سرعت پیش نرفته است.

جوامع و عموم مردم امروز با توجه به امکانات رسانه‌ها از این آسیب‌ها آگاه هستند و باید کمی در بعضی از حوزه‌هایی که مربوط به شهروندان می‌شود، همه مردم همکاری کنند. مسئولان هم ضمن این که این آگاهی را به مردم منتقل می‌کنند راهکارهای حل آن را باید دنبال کنند. یعنی هم در قالب فرهنگ‌سازی انعکاس پیدا کند و هم با توجه به امکانات آن آسیب‌ها را پیگیری کنند